



۲۰۱۶/۰۶/۱۴



دوکتور محمد ظاهر عزیز
سفیر اسبق افغانستان در یونسکو و اسپسکو

مولانا جلال الدین محمد بلخی و آثار معنوی ایشان

نمی تواند توسط هیچ کشوری غصب گردد

کوشش به منظور غصب هویت مولانا و چشم پوشی از شناخت زادگاه مولانا جلال الدین محمد بلخی و یا تصرف مقام معنوی، افکار و آثار بزرگ او، "مثنوی معنوی"، ناممکن، گناه بزرگ و بی حرمتی است در حق مولانا چون که مولانا دولت پاینده است و به عالم بشریت تعلق دارد نه به یک یا دو کشور. اندیشه و فرهنگ او فرهنگ و اندیشه صلح، دوستی و انسانی است و از آن همه فرهنگ ها و مردمان جهان است.

مرده بُدم زنده شدم گریه بُدم خنده شدم

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

سخن گفتن از عرفان، حالات و خصوصیات شعری عارف نامی جلال الدین محمد بلخی، فراتر از کنجاوی معمولی و یا جست و جوی معروفیت ادبی "مثنوی معنوی" مولانا، این نابغه عالم بشریت، است.

در حقیقت، این همه غور، بررسی و ژرف اندیشی در این دور تاریخ بشریت، بیش و پیش از هر چیز نشانه نیازی است که همگان، در کشور ما، زادگاه مولانا، در محیط فرهنگی بزرگ او و در عالم بشریت که با ملاحظه حالات جهان امروز، در جست و جوی اخلاق معنویت و انسانیت هستند، در خود احساس می کنند.

نیاز به شناخت یک شخصیت کم نظیر و والا و اتصال و پیوستگی به او، نیاز به شناخت و یا ورود به جهان اندیشه یکی از درخشانترین ستاره فروزان معنویت عالم بشریت، نیاز به شناخت منبع انواری که از هشتصد سال بدین سو، در شرق و غرب، در دلها و خانه های مشتاق مردمان هر کیش، هر زبان و هر فرهنگ تابید و آنها را به نور معرفت، معنویت و اخلاق انسانی و عشق روشن ساخت و نیاز به منبع الهامات مولانا جلال الدین محمد بلخی - رومی که اشعار، اندیشه و اخلاق او را چنین دل انگیز، پر جذبه و نیازمند، ساخته است.

بلی، هرکس، به منظور ارضای خاطر و ضرورت خود، در اشتیاق این است که مولانا به چه می اندیشیده؟ چگونه می اندیشیده؟ چه پیامی را برای بشریت به هدیه گذاشته است؟ و در این راه به کدام سر منزل رسیده؟ و در کجا مقام کرده است؟ به کدام ملت و فرهنگی تعلق داشته؟ و بالاخره ما، فرزندان و پیروان زبان و فرهنگ مولانا و آنانی که اندیشه، افکار و مقام معنویت او را از طرق دیگری جست و جو می نمایند، برای بهبود حیات معنویت و اخلاق خود، چگونه از اندیشه های این استاد اخلاق، معنویت و انسانیت بهره می گیریم؟

به منظور رسیدن به اهداف و نیازهای فوق و یا نزدیک شدن به آن مفاهیم، سی و سومین اجلاس کنفرانس عمومی (۳ الی ۲۱ اکتوبر ۲۰۰۵م) سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، ضمن تصمیم نامه C/۱۲ ۳۳ با توجه به بُعد انسانی و جهانی، اخلاق و اندیشه های پر فضل و هنر والای ادب مولانا، پیشنهاد گرامی داشت خاطره هشتصد ساله تولد مبارک مولانا جلال الدین محمد بلخی - رومی، را که با افتخار از طرف اینجانب، زمانی که وظیفه سفیر جمهوری اسلامی افغانستان را در یونسکو و اسپسکو به عهده داشتم با پشتیبانی کشور های ترکیه و مصر، بعد از تصویب شورای اجرائیه یونسکو، در کنفرانس عمومی ارائه شد، به اتفاق آراء بپذیرد و بدین ترتیب زمینه برگزاری مراسم بزرگداشت مولانا در کشور زادگاه او، افغانستان و در کشور هایی که مردم آن دیار ها با او زبان و فرهنگ مشترک دارند و مولانا را دوست دارند و به او احترام می نمایند، در سال ۲۰۰۷ میلادی فراهم شود.

والا تر این که به منظور گرامی داشت و ارج گذاشتن به مقام عالی انسانی مولانا جلال الدین محمد بلخی - رومی و در جهت تکریم، ستایش و احترام این شاعر، عارف، فیلسوف و مفکر بزرگ و بلند آوازه جهان اسلام که برای عظمت و مقام انسان خدمات بس بزرگ انجام داده، هدایای صاحب قدر، "مثنوی معنوی"، را برای همه مردمان و جهانیان به میراث سپرده است، مجمع یکصد و هفتاد و پنجمین اجلاس شورای اجرائیه یونسکو (۴ الی ۲۱ میزان ۱۳۸۵) پیشنهاد افغانستان را برای نشر و اشاعه مدال خاص از طرف یونسکو به افتخار مولانا جلال الدین محمد بلخی- رومی که از سوی نمایندگی دایمی افغانستان در یونسکو و اسپسکو در آن مجمع ارائه شده بود به تصویب رسانید.

باید تذکر دهم که به منظور حرمت به مولانا، قبل از بحث و تصویب پیشنهاد افغانستان، ۵۸ عضو شورای اجرائیه یونسکو بر سواد پیشنهاد نمایندگی دایمی افغانستان در یونسکو امضاء و تصدیق نموده اند. این نوع پشتیبانی در تاریخ شورای اجرائیه این سازمان به ندرت دیده شده است.

تصویب و سهم گیری یونسکو در تجلیل از سالگرد مولانا از جانب کنفرانس عمومی این سازمان بزرگ بین المللی علم و فرهنگ و نشر و اشاعه مدال های طلا، نقره و برنج از طرف یونسکو در جهت حرمت گذاشتن به مولانا در سال ۲۰۰۷ میلادی، متضمن شناخت هویت، زادگاه، جایگاه، ارزش و مقام معنوی و فرهنگی مولانا، این بزرگ مرد و فیلسوف عالم بشریت در سطح بین المللی محسوب می گردد. ضمناً این تصاویر نشان شناخت، تکریم و ستایش از افکار انسانی و خدمات بزرگ او به عالم بشریت که در قید زمان و مکان نیست و متوجه همه فرهنگها و مردمان جهان است، می باشد. همشهریان زبان، فرهنگ و اندیشه او، می باید به همین روش و بزرگواری از مقام علمی، فرهنگی و معنوی، این شخصیت بزرگ و عزیز، سالگرد شریف او را هر سال، تجلیل نمایند.

مولانا جلال الدین محمد بلخی مشهور به مولانای روم، در ششم ماه ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری قمری (۳۰ سپتامبر ۱۲۰۷ میلادی) در بلخ که یکی از فرهنگستان ها و هم چنان یکی از کانون های زبان دری بود، در یک خانواده پر فیض، با دیانت و دانشمند، به دنیا آمد.

در دیباچه منثور دفتر اول "مثنوی معنوی" که به قلم شخص مولانا جلال الدین محمد بلخی به زبان عربی نوشته شده است، او خود را معرفی می نماید "این بنده ناتوان نیازمند به رحمت خداوند تعالی محمد بن محمد بن حسین بلخی ... پس نام او جلال الدین محمد بلخی و زادگاه او بلخ است.

به یاد دارم، زمانی که اینجانب بار اول مقام و بزرگی معنوی مولانا را به شورای اجرائیه یونسکو ارائه می کردم و مقام، بزرگی و میراث معنوی مولانا را مال و میراث بشریت معرفی کردم، این مطلب را نیز گفتم (اگر کسی و یا

کشوری در زمینه زادگاه مولانا جلال الدین محمد بلخی شک و تردیدی داشته باشد، از مادر محترم و صاحبقدر او بپرسد که چرا جلال الدین محمد بن محمد بن حسین بلخی را در بلخ زاده است؟) مطالب فوق در اسناد و سوابق شورای اجرائیه و کنفرانس عمومی یونسکو ثبت است و هیچ کشوری نمی تواند آنرا تغییر بدهد و یا تصاحب کند.

علت شهرت جلال الدین محمد بلخی به رومی و مولانای روم، طول اقامت وی در شهر قونیه که اقامتگاه اکثر عمر و مدفن اوست، بوده، لیکن خود مولانا همواره خویش را از مردم بلخ شمرده و اهل شهر خود را دوست میداشته و از یاد آنان فارغ نبوده است.

پدر مولانا، بهاء الدین محمد بن حسین ملقب به سلطان العلماء مشهور به بهاء الدین ولد معروف به مولانای بزرگ بود. شهرت علمی سلطان العلماء به اندازه ای بود که از همه اطرافیان بلخ جهت مشورت و حل مشکلات به او روی می آوردند.

سلطان العلماء در شهر بلخ مسند ارشاد داشته، خواص و عوام به او احترام داشتند و به او معتقد بودند. هرگاه مجلس و عظ برپا می کرد، گروه بیشماری از هر طبقه در پای منبر و عرش گرد می آمدند و او بر همه دل ها مشرف بود. به اتفاق تذکره نویسان، بهاء ولد به واسطه رنجش خاطر خوارزم شاه در بلخ مجال قرار ندید و ناچار هجرت اختیار کرد و قصد حج کرد و به جانب بغداد رهسپار گردید. می گویند که قبل از هجرت از بلخ، مولانا روزی در میان مجلس گفت: فردا عزم سفر دارم، هر کرا ارادت درویشان است، آماده باشد. روز دیگر از مریدان و معتقدان سه صد نفر در خدمتش روانه شدند.

من افتخار نوشتن مقالات چندی بر حیات مولانا، این بزرگ مرد و فیلسوف عالم بشریت را دارم. امید است روزی به برکت فضایل و معنویت مولانا توفیق حاصل نمایم که مطالب بیشتری بر حیات مولانا بنویسم.

در اینجا بر می گردم بر موضوع نهایت مهمی که هدف اصلی این نوشته است و اشاره می نمایم بر خبری که از قول جناب آقای سید رضا صالحی امیری، مشاور رئیس جمهوری و رئیس محترم سازمان اسناد ایران، به مطبوعات نشر شده است مبنی بر این که کشور های ایران و ترکیه توافق نموده اند که "مثنوی معنوی" مولانا جلال الدین محمد بلخی را به عنوان میراث فرهنگی ایران و ترکیه در یونسکو ثبت نمایند.

شنیدن این خبر مرا متأثر و نهایت غمین ساخت و به همین دلیل است که من این نوشته حسن نیت را به توجه مقامات محترم دولتی و فرهنگیان کشور های دوست و با فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه و همچنان سخنان حقیقت را به توجه مقامات دولتی و فرهنگیان کشور خودم، افغانستان می رسانم:

۱: پیام حسن نیت به توجه کشور های جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه:

الف: خبر تصاحب مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی از سببی تأثر آور است که از کشور دوست، همسایه و صاحب فرهنگ سر زده است، کشوری که مردمش مولانا جلال الدین محمد بلخی را خوب می شناسند و به افکار، اندیشه و فلسفه او که جهانی است و تنها متوجه یک کشور و یک فرهنگ نیست، آشنا هستند.

ب: حکومت و دستگاه های فرهنگی و اطلاعاتی کشورهای دوست ایران و ترکیه می باید مطلع باشند، چنانچه قبلاً در این نوشته تقدیم شد، که با پیشنهاد سفیر و نماینده دایمی افغانستان در یونسکو، آرگن های رسمی یونسکو (شورای اجرائیه و کنفرانس عمومی) این سازمان در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷م، دو بار، مقام و بزرگی معنوی، اندیشه و فلسفه انسان

دوستی مولانا جلال الدین محمد بلخی - رومی را به بحث گرفتند و از او با تصویب فیصله نامه ها تقدیر و تکریم نمودند و هدایای صاحبقدر او (مثنوی معنوی) را با حرمت، میراث بشریت دانستند.

ج: با حرمت تذکر می دهم که کوشش در راه منوط و مربوط نمودن (مثنوی معنوی) مولانا به حیث میراث معنوی، یک یا دوکشور، بیهوده است زیرا این نوع تلاش خلاف فیصله های قبلی یونسکو خواهد بود و برخلاف مقام معنوی و حقیقت گویی مولانا است. در حقیقت این نوع تلاش بی حرمتی به مقام، شخصیت و بزرگی مولانا جلال الدین محمد بلخی به حساب می آید.

د: مقامات دولتی و فرهنگیان محترم کشور های ایران و ترکیه می دانند که مولانا جلال الدین محمد بلخی، آن بزرگ مرد دارای شخصیت عالی انسانی، صلح خواه و صلح دوست است و تکراراً باید گفت که فلسفه و اندیشه او مال و ملک عالم بشریت است.

از مراسم تشییع جنازه مولانا همه با خبر اند که مسلمانان قونیه از خورد و بزرگ حاضر شدند. یهودان و عیسویان آن شهر که صلح جویی و نیک خواهی وی را آزموده و دیده بودند، همراه با اهل اسلام شیون می کردند. زمانی که از یهودان و عیسویان پرسیدند که شمارا با مولانا چه تعلق بوده است؟ گفتند: اگر مولانا شما را شیخ، راهنما، پیشوا و مقتدی بود، ما را هم همان بود. او در قلب ما حرمت بس بزرگ بجا مانده است.

ه: من امید وارم که این نوع تلاش و کوشش اهداف و مرام سیاسی و ملی گرایی نداشته باشد. اگر چنین باشد، تأسف آور است چون که هیچ رابطه ای به بزرگی و مقام معنوی (مثنوی معنوی) ندارد و به تصحیح کردن هرچه زودتر ضرورت دارد.

۲: سخنان حقیقت که متوجه حکومت و فرهنگیان کشور خودم، افغانستان هستند:

باید بپذیریم که شخصیت های بزرگ فرهنگی در هر جایی از دنیا که تولد شدند، زیستند و مردند و آثار صاحبقدری برای نسل های آینده به میراث ماندند که دارای مقام و بزرگی معنوی باشند، چنین شخصیت ها متعلق به کسانی و از آن کسانی هستند که آن ها را بشناسند و به فرزندان شان بشناسانند، به آنها احترام داشته باشند، میراث معنوی و یا فرهنگی آنها را مورد بحث، مطالعه و تحقیق علمی قرار دهند و در نهایت فلسفه، اندیشه و نصایح آنها را جزء اخلاق و عادات شخصی خود بسازند و از گفته های نیک شخصیت های بزرگ فرهنگی تأریخی در صلح خواهی، ارتقای شخصیت انسانی و بهبود حیات اجتماعی و معنوی جامعه خود استفاده نموده بهره ببرند. توجه نمایند:

الف: یکی از اولین کارهای حکومت وحدت ملی بستن دفاتر نمایندگی دایمی افغانستان در یونسکو بود و آنهم در بدل تادیبه بیست هزار دالر کرایه در یک سال به یونسکو. کوشش در تصرف "مثنوی معنوی" مولانا جلال الدین محمد بلخی به حیث میراث معنوی ایران و ترکیه از طرف این کشور ها، یکی از نتایج این تصمیم نادرست است.

ب: باید بیبرسم که وزارت اطلاعات و فرهنگ، این دستگاه در خواب عمیق فرو رفته، و یا اکادمی علوم، از سال ۲۰۰۵ تا امروز چند کتاب، اثر علمی تحقیقی بر حیات، اندیشه، شخصیت و بزرگی ادبی مولانا به نشر سپرده است؟ چند سیمینار و مجالس علمی بر مولانا برگزار نموده است؟ آیا انجمن فرهنگی مولانا در افغانستان موجود است؟ اگر است آیا به نام است و یا کار های بزرگ علمی و تحقیق را بر مولانا و مقام انسانی و بزرگی ادبی او انجام داده است؟

ج: در کدام پوهنتون - دانشگاه افغانستان بخشی و یا شعبه ای به نام مولانا تأسیس شده است؟

د: آیا وزارت معارف افکار، فلسفه انسانی و بزرگی ادبی مولانا را در نصاب تعلیمی مکاتب و دروس تعلیمی شامل کرده است تا در شناخت فلسفه انسانی و انسان دوستی و مقام ادبی او فرزندان افغان چیزی بدانند؟

ه: دستگاه مطبوعاتی دولتی و شخصی، رسانه های گروهی، چه کاری در مورد شناخت و پخش مقام معنوی و ادبی مولانا انجام داده اند؟

و: در بلخ، زادگاه مولانا چه مقامی را به مولانا قایل هستند؟ چه کاری را برای ترمیم و یا ساخت دوباره خانقاه پدر مولانا انجام داده اند؟

ز: فرهنگیان افغانستان تا چه حدی مولانا را می شناسند؟ چند اثر تحقیقی و علمی در باره مولانا، افکار و مقام ادبی مولانا جلال الدین محمد بلخی نوشته و به نشر سپرده اند؟

من می گویم که هنوز هم سر وقت است. ما باید از خواب گران بیدار شویم و از اندیشه های بزرگان ادب، فلسفه و انسانیت مانند حکیم "سنایی غزنوی"، "مولانا"، "سید جمال الدین افغانی" و دیگر بزرگان افغانستان بیاموزیم و برای بقاء، تعالی فرهنگی و حفظ هویت فرهنگی مردم افغانستان، کارهای صلح جویانه، علمی با نظر وسیع انسانی انجام دهیم تا فرزندان امروز و فردای افغان بی فرهنگ و بی هویت نباشند. و سلام

